

پارادایلماسی و کاربرد آن در شهرهای مرزی

مطالعه موردی آذربایجان غربی

* مجید رضا مومنی

** آزاده رحیمی

*** نسرين غیبی زاده

چکیده

در عصر کنونی که به دلیل فشردگی زمان و مکان در اثر افزایش ارتباطات و اطلاعات در دهکده جهانی شاهد افزایش تعامل میان ملت‌ها و دولت‌ها و سایر بازیگران روابط بین‌الملل هستیم، شهرها و کلان‌شهرها به ویژه شهرهای مرزی از نقش عمده‌ای در حل و فصل منازعات بین‌المللی برخوردارند. در این فضا، شهرها با ارتقاء جایگاه اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی از توان و اعتبار کافی برای اجرای فعالیت‌های دیپلماتیک برخوردار می‌شوند. به دنبال تحولات نظام بین‌الملل و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی که از دیپلماسی مطرح شده است،

* عضو هیات علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
(نویسنده مسئول: majidreza.momeni@atu.ac.ir)
** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای گرایش خلیج فارس
*** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای گرایش خلیج فارس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۹

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و یکم، صص ۵۳-۷۸

می‌توان به رهیافت پارادایپلماسی اشاره نمود که امروزه بر طیف جدیدی از بازیگران بین‌المللی شامل مقامات و مسئولین ایالتی و استانی تاکید دارد که در عین استقلال، در راستای اهداف دولت مرکزی عمل می‌کنند. از این رو برخی از شهرهای مرزی هم مرز و دارای بازار مشترک با کشورهای دیگر، از مولفه‌های جدید در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند. بنابراین این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که آیا رهیافت پارادایپلماسی در گسترش روابط و حل‌وفصل مناقشات کشورها می‌تواند موثر واقع شود؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال مطرح می‌شود این است که پارادایپلماسی به عنوان رهیافتی موثر که تاکید بر بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی خصوصا در قالب شهرهای مرزی دارد، می‌تواند نقش بسزایی در حل‌وفصل منازعات منطقه‌ای، گسترش تعاملات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. در نتیجه با کاربرد این رهیافت در آذربایجان غربی بعنوان مطالعه موردی، براین نکته تاکید می‌شود که مقوله پارادایپلماسی نیازمند اهتمام بیشتر در حوزه آکادمی و اجرایی می‌باشد. این مقاله براساس تبیین رهیافت پارادایپلماسی و با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پارادایپلماسی، شهرمرزی، بازیگران جدید، حل و فصل منازعات، آذربایجان غربی

مقدمه

یکی از ابزارهای رسیدن به اهداف و منافع ملی در سیاست خارجی کشورها دیپلماسی است که می‌تواند بعنوان ابزار حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مطرح شود. امروزه کشورها کمتر نسبت به گذشته از قدرت نظامی استفاده می‌کنند و ابزارهای دیپلماتیک از مهم‌ترین شیوه‌های پیگیری منافع در نظام بین‌الملل کنونی به شمار می‌رود. به دنبال تحولات نظام بین‌الملل و ورود طیف جدیدی از بازیگران بین‌المللی به عرصه روابط بین‌الملل، دیپلماسی نیز دستخوش تحولات عمده‌ای شده است که تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از آن مطرح می‌گردد. از جمله این تحولات می‌توان به رهیافت پارادایم‌های اشاره نمود که امروزه به عنوان یک رهیافت مهم در حل و فصل منازعات مطرح می‌باشد. پارادایم‌های بر طیف جدیدی از بازیگران بین‌المللی مانند مقامات و مسئولین ایالتی و استانی تاکید دارد که در عین استقلال، در راستای سیاست‌ها و اهداف دولت مرکزی عمل می‌کنند که دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. این نوشتار با هدف بررسی جایگاه پارادایم‌های در حل و فصل منازعات سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا رهیافت پارادایم‌های در گسترش روابط و حل و فصل مناقشات کشورها می‌تواند موثر واقع شود؟ در مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به پاسخ سوال مذکور پرداخته می‌شود. می‌پردازیم. فرضیه مطرح‌شده بر این اساس می‌باشد که پارادایم‌های به عنوان رهیافتی موثر که تاکید بر بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی خصوصاً در قالب شهرهای مرزی دارد، می‌تواند نقش بسزایی در حل و فصل منازعات منطقه‌ای، گسترش تعاملات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای داشته باشد. در نتیجه با کاربرد این رهیافت در آذربایجان غربی به عنوان مطالعه موردی، برای این نکته تاکید می‌شود که مقوله پارادایم‌های نیازمند اهتمام بیشتر در حوزه آکادمی و اجرایی می‌باشد. در این راستا، پارادایم‌های به

عنوان رهیافت جدیدی در روابط بین‌الملل مطرح شده است که با وجود اینکه دولت‌ها را همچنان بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل می‌داند، اما بر این نکته تأکید می‌کند که دولت‌ها می‌توانند اختیاراتی را به بخش‌های فراملی واگذار کنند و آنها را در قدرت سیاسی خود سهیم کنند. شهرها و مقامات شهری می‌توانند مستقل از دولت مرکزی ولی در چارچوب اهداف و قانون اساسی دولت مرکزی عمل نمایند. به ویژه در شهرهای مرزی بین‌کشورها مثل استان آذربایجان غربی که با بخش نخجوان جمهوری آذربایجان همسایه و هم‌مرز است، با تبادلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌توان به منازعات و مناقشات به ویژه جدایی‌طلبی سرزمینی پایان داد و با استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری موجود در شهرهای مرزی، به گسترش روابط بین‌دولت‌ها کمک کرد.

این مقاله به این پرسش پرداخته است که آیا رهیافت پارادایلماسی در گسترش روابط و حل و فصل مناقشات کشورها می‌تواند موثر واقع شود؟

در باب اهمیت این پژوهش باید گفت که مقوله ژئوپلیتیک^۱ همواره در عرصه مطالعات سیاست و روابط بین‌الملل و همچنین در مطالعات جغرافیای سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علیرغم وجود جریان جهانی شدن و افزایش این روند و تاثیر آن بر بسیاری از تعاملات و معادلات بین‌المللی مبنی بر کم‌رنگ شدن نقش حاکمیت‌ها و مرزهای جغرافیایی در تراکنش‌های اقتصادی و تعاملات بین جوامع و افراد، اما هنوز شاهد اهمیت قلمرو جغرافیای دولت-ملت‌ها در همکاری و رقابت بین آنها هستیم. در کنار فرایند جهانی شدن که منجر به تحولات جدی در عرصه بین‌الملل شده است، می‌توان به رهیافت پارادایلماسی اشاره نمود که امروزه دوباره بر اهمیت جایگاه جغرافیایی کشورها بخصوص شهرها و کنشگران نوین بین‌المللی تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی محسوب می‌شود که در موقعیت جغرافیایی ویژه-ای واقع گردیده است و در روابطش با برخی از همسایگان مرزی خود مانند کشور آذربایجان با تنش مواجه است که منشا داخلی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای نقش قابل‌اهمیتی را در روابط دو کشور دارند. بنابراین انجام پژوهشی مبتنی بر مطالعه و بررسی روابط دو کشور ایران و آذربایجان و اهمیت جایگاه جغرافیایی کشور آذربایجان در همسایگی با ایران از منظر پارادایلماسی و کاربست این رهیافت در تعدیل تنش و

بهبود روابط دو جانبه این دو کشور ضروری است. شهرهای مرزی به ویژه آذربایجان غربی با توجه به موقعیت جغرافیایی و اقتصادی خود می تواند فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی را ایجاد کند.

آنچه از نظر نویسندگان مقاله به عنوان اهداف نگارش مقاله مطرح می‌تواند باشد، عبارت است از:

۱. مطالعه و بررسی رهیافت پارادایلماسی بعنوان رهیافت نوین مطالعات نظام بین‌الملل

۲. بررسی روابط دو جانبه ایران و آذربایجان

۳. مطالعه و شناخت جایگاه جغرافیایی استان آذربایجان غربی و اهمیتش برای ایران

۴. بررسی ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی و سیاسی برای همکاری

بین شهرهای مرزی ایران و کشور آذربایجان

۵. کاربست رهیافت پارادایلماسی در بهبود روابط دو جانبه ایران و جمهوری

آذربایجان در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و تجاری.

در خصوص ادبیات تحقیق این مقاله نیز می‌توان به مقاله‌ها و کتاب‌هایی اشاره کرد که در زمینه پارادایلماسی و دیپلماسی شهری به نگارش آمده است که در ذیل به چند مورد اشاره شده است:

- کتابی با عنوان «دیپلماسی شهری» نوشته مهدی جمالی نژاد که به بررسی پارادایلماسی و دیپلماسی شهری به ویژه در عصر جهانی شدن پرداخته است.

- مقاله‌ای تحت عنوان «پارادایلماسی در عصر جهانی شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری» نوشته محمدرضا دهشیری است که بر پارادایلماسی یا دیپلماسی موازی و اهمیت آن با توجه به روند روزافزون جهانی شدن و همچنین بر فرسایش حاکمیت‌ها و کمرنگ شدن مرزها و در نتیجه کاهش حدود و حیطه اختیارات حکومت‌های مرکزی و افزایش کارکرد حکومت‌های محلی تاکید می‌کند.

- مقاله «سیاست شهری و دیپلماسی شهری» نوشته سید محمود نجاتی حسینی است که بر قابلیت شهرها و کلانشهرها برای توسعه «سیاست بیناشهری بین‌المللی» به جای «سیاست بینادولت» تاکید می‌کند به عبارت دیگر معتقد است دیپلماسی شهری بهتر از دیپلماسی دولت-ملت می‌تواند در فرایند جهانی شدن سیاسی و فرهنگی به

ایفای نقش بپردازد.

-مقاله «راهبردها و راهکارهای «پارادایلماسی شهری» جهت برون رفت از مناقشه پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران» نوشته حبیب رضازاده و شهاب دلیلی که بر قابلیت های پارادایلماسی شهری در حل پرونده هسته ای ایران تاکید دارد.

-مقاله «جهانی شدن شهرها و جهان محلی شدن دیپلماسی(مطالعه موردی: دیپلماسی شهری)» نوشته محمد توحیدفام و شهاب دلیلی است که بر تحول دیپلماسی از سنتی به سوی دیپلماسی‌های موازی چون دیپلماسی شهری اشاره می‌کند و این تحول، وضعیت جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده است و فرصت‌های متقابلی برای بازیگران دولتی و غیردولتی فراهم آورده است.

در زمینه نقش شهرها به ویژه شهرهای مرزی در فرایند جهانی شدن و تاثیر آن در توسعه و پیشرفت منطقه‌ای ایران مقالات بسیاری به نگارش درآمده است که در ذیل به چند مورد اشاره خواهد شد:

-مقاله «نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی شدن و توسعه منطقه‌ای ایران؛ مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان خراسان رضوی» نوشته دکتر محمدرحیم رهنما و معصومه توانگر است که به شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرها اشاره می‌کند و به بررسی علل ضعف در جهانی شدن شهرهای مرزی ایران می‌پردازد و بر نقش شهرهای مرزی به عنوان مطالعه موردی استان خراسان رضوی در فرایند جهانی شدن و مزایای آن و همچنین در نهایت توسعه منطقه‌ای ایران تاکید می‌کند.

- مقاله «بررسی و تحلیل عوامل کلیدی موثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده-نگاری منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، ایران» نوشته مهدی بزازاده، دکتر هاشم داداش پور، شریف مطوف که به بررسی مولفه‌های کلیدی توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی با استفاده از آینده‌نگاری منطقه‌ای پرداخته است.

-همچنین مقاله «بررسی موانع نهادی سرمایه‌گذاری صنعتی مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی» به بررسی موانع نهادی به ویژه فرایند اداری-اجرایی می‌پردازد و در نتیجه موانع سرمایه‌گذاری صنعتی در قالب فرایند اداری-اجرایی را مورد توجه قرار می‌دهد.

- مقاله «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه ریزی بر پایه سناریو: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی» نوشته محمدباقر بهشتی و نادر زالی است

که بررسی و شناسایی مولفه‌های کلیدی توسعه منطقه‌ای شهرهای مرزی به عنوان مطالعه موردی؛ آذربایجان غربی پرداخته است.

مقاله «بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)» نوشته رحیم سرور، سمیه محمدی حمیدی، محمد ویسیان که بر عدم توسعه و وجود نابرابریهای منطقه‌ای در مناطق مختلف به ویژه شهرهای مرزی تاکید می‌کند و در نتیجه سعی می‌کند تا با رتبه‌بندی شهرستان‌ها به بهبود وضعیت و ساماندهی توسعه در استان آذربایجان غربی بپردازد.

بر اساس جستجوی پژوهش‌گران از منابع اطلاعاتی مختلف داخلی از جمله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۱، پایگاه مجلات تخصصی نور^۲ و پایگاه مجلات ایران^۳ تاکنون پژوهشی با عنوان که از نظر موضوع و محتوا کاملاً مشابه باشند؛ در داخل کشور صورت نگرفته است. البته پژوهش‌هایی با عناوین مشابه در زمینه شهرهای مرزی به ویژه آذربایجان غربی صورت گرفته است اما به لحاظ روش و محتوا با این پژوهش تفاوت دارند. در زمینه پارادایلماسی و شهرهای مرزی، مقالات انگلیسی وجود دارد. برای مثال در مورد شهر قارص در ترکیه و همچنین شهر کاتالونیای اسپانیا از منظر پارادایلماسی پژوهش‌هایی صورت گرفته است. اما همانطور که گفته شد در مورد پارادایلماسی و کاربرد آن در شهرهای مرزی پژوهشی با این عنوان صورت نگرفته است. بنابراین در ادامه لازم است تا مفهوم دیپلماسی و انواع آن که از قدیمی‌ترین ابزار برقراری ارتباط بین کشورهای است مورد بررسی قرار گرفته و سپس نوع اخیر دیپلماسی یعنی دیپلماسی شهری و در نهایت به چارچوب مفهومی پارادایلماسی که به عنوان یک رهیافت جدید در روابط بین‌الملل مطرح شده است، پرداخته شود. و از این منظر شهر آذربایجان غربی به عنوان مطالعه موردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. دیپلماسی

دیپلماسی^۴ پیشینه‌ای به اندازه تاریخ ملت‌ها دارد. انسان‌ها از گذشته با یکدیگر روابط

1. Irandoc
2. Noormags
3. Magiran
4. Diplomacy

سیاسی داشتند و برای حفظ و تحکیم منافع ملی خود ناچار به برقراری روابط متقابل با ملت‌های دیگر بوده‌اند. تعریف‌های متفاوتی برای دیپلماسی ذکر شده است و برای بیان آن از عباراتی همچون فن مذاکره، مجرای ارتباطاتی، علم سیاست، فن ارتباط با دیگر کشورها استفاده شده‌است. (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) در تعریف دیپلماسی می‌توان گفت: «دیپلماسی عبارت است از فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولت‌ها» یا «مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی»، که این بازیگران شامل گروه‌ها، سازمان‌ها و افرادی می‌شود که در کنار دولت‌ها دیپلماسی را بکار می‌برند. در معنای سنتی دیپلماسی شامل تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها برای تأمین منافع ملی خود برقرار می‌شود. «هانس مورگنتا» دیپلماسی را هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن گروه از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی می‌داند که مستقیماً به منافع ملی مرتبط می‌شود. بنابراین می‌توان گفت هدف اولیه دیپلماسی، حفظ و حراست از بنیادی‌ترین منافع کشوری یعنی امنیت و استقلال است هرچند اهداف عمده دیگری برای دیپلماسی مطرح است که شامل منافع اقتصادی، حفظ جان اتباع خودی و ... می‌باشد (آشنا، جعفری، ۱۳۸۶: ۱۸۱ - ۱۸۰). به بیان دیگر می‌توان تأکید کرد که وظیفه دیپلماسی، مدیریت روابط میان کشورها و نیز روابط بین کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی است. دیپلماسی وسیله‌ای است که به کمک آن کشورها از طریق نمایندگی‌های رسمی و غیررسمی و سایر بازیگران به حفظ و تأمین منافع خود می‌پردازند و برای رسیدن به منافع و اهداف از روش‌هایی مانند مذاکرات خصوصی، تبادل نظر، لابی نمودن، انجام دیدارها و تهدیدها و سایر اعمال مشابه استفاده می‌شود و بطور عمده دیپلماسی در ارتباط با اقدامات صلح جویانه می‌باشد. امروزه با توجه به تحولات بوجود آمده، دیپلماسی فقط به فعالیت‌های وزیر خارجه و دستگاه وزارت خارجه، سفرا و کارگزاران آن خلاصه نمی‌شود بلکه دیپلماسی می‌تواند از سوی مقامات رسمی سایر وزارت‌خانه‌ها بجز وزارت خارجه و نهادهای سازمان‌هایی که با هم‌تایان خارجی خود سروکار دارند شکل بگیرد (نیک آئین، ۱۳۸۸: ۳۶۲). دیپلماسی را به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی می‌کنند که در نوع اول دیپلماسی تنها توسط وزارتخانه‌های خارجی اجرا می‌شود و تنها رابطه دولت‌ها با یکدیگر اهمیت دارد. با پیچیده‌تر شدن شرایط بین‌المللی و ورود بازیگران غیر دولتی به

این حوزه، دیپلماسی به انواع مختلفی تقسیم‌بندی شده است بنابراین دیپلماسی در طول تاریخ دستخوش تحولات زیادی شده است و انواع مختلفی را شامل می‌شود. در تکمیل فرایند دیپلماسی رسمی، در حال حاضر اشکال متفاوتی از دیپلماسی در حوزه‌های مختلف مورد توجه واقع شده است که به بخش عمده‌ای از آنها بصورت خلاصه اشاره می‌شود: نوع اول آن دیپلماسی عمومی است که مطابق تعریف وزارت خارجه ایالات متحده «دیپلماسی عمومی به آن بخش از برنامه‌های دولتی گفته می‌شود که به قصد اطلاع رسانی و یا اعمال نفوذ بر افکار عمومی سایر کشورها انجام می‌شود». عبارت دیپلماسی عمومی را برای اولین بار ادموند گالین^۱، «رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر دانشگاه تافتز در سال ۱۹۶۵» مورد استفاده قرار داد. (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۹۴). نوع دوم دیپلماسی، دیپلماسی سایبری می‌باشد این نوع دیپلماسی، استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعاتی و ارتباطی روز، برای تبیین و گسترش و ارتقای سطح اثر بخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی است و با عنوان دیپلماسی مجازی شناخته می‌شود (کولایی، شکاری، احمدی نیا: ۱۳۹۲: ۸۵). نوع سوم دیپلماسی، دیپلماسی رسانه‌ای است که به صورت عام به معنای به کارگیری رسانه‌ها در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی می‌باشد که شامل استفاده از رسانه‌ها توسط رهبران به منظور بیان منافع در مذاکرات، اعتمادسازی و بسیج عمومی از توافقات می‌باشد. (مبینی کشه، طباطبائی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). ابزارهای دیپلماسی رسانه‌ای به پنج دسته عمده تقسیم می‌شوند که شامل: تلویزیون، رادیو، خبرگزاریها، مطبوعات (نوشتاری) و اینترنت می‌باشد. (جمالی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۵). نوع چهارم دیپلماسی، دیپلماسی اقتصادی و تجاری است. دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که با گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب «فضای جریان‌ها» مطرح شده و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند در فضای بین‌الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. (شفائی، ۱۳۸۶: ۴۰). در حالیکه دیپلماسی تجاری به سطح خرد روابط می‌پردازد و موضوع اصلی فعالیت آن سیاست‌های تجاری، میزان و نحوه صادرات و واردات، سهم کشور از تجارت بین‌الملل و جذب سرمایه خارجی است. (جمالی نژاد، ۱۳۹۲: ۷۱). نوع پنجم دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی است که به کشورها این توانایی را می‌دهد که از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها به طرف مقابل خود نفوذ کنند. چنین سیاستی

1. Edmund Galion

منجر به محبوبیت دولت‌ها نزد افکار عمومی کشور مقصد می‌شود و نیز کسب حیثیت و اعتبار بین‌المللی دولت‌ها را در بردارد (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۷). نوع ششم و اخیر دیپلماسی، دیپلماسی شهری است که در رشته‌های روابط بین‌الملل، اصطلاحی رایج در جامعه‌شناسی سیاسی و جغرافیای شهری است. این نوع دیپلماسی هنر کاربردی برای مذاکرات و بهبود روابط بین‌ملتهاست و با تکیه بر ملتها بجای دولت‌ها می‌تواند در کنار دیپلماسی رسمی در بهبود روابط با دیگر کشورها مؤثر واقع شود (جمالی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۲). امروزه با پیدایش مقوله جهانی شدن دولت‌ها تنها بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل نیستند بلکه شهرها هم در کنار سایر سازمان‌های غیردولتی، منطقه‌ای و شرکتهای فراملیتی دارای نقش مهمی هستند. دیپلماسی شهری بعنوان شکلی جدید از دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن بعنوان ابزاری است که شهرها از طریق بازیگران شهری بویژه شهرداری‌ها به تعامل با کنشگران هم تراز خود می‌پردازند و نقش کاربردی و مهمی را در تعامل و تقویت مذاکرات و بهبود روابط ملتها ایفا می‌کند. (دهشیری، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۳). اکنون شهرها علاوه بر نقش تاریخی خود که مرکز تجارت و بانکداری بودند در عصر جهانی چهار کارکرد جدید پیدا کرده‌اند که شامل موارد زیر می‌باشد: به عنوان مراکز فرماندهی بسیار متمرکز در سازمان اقتصاد جهانی، نقاط کلیدی برای شرکت‌های مالی و خدمات تخصصی، پایگاه‌های تولید از جمله تولید و نوآوری در صنایع پیشتاز، بازاری برای محصولات و نوآوریها (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). دیپلماسی شهری را می‌توان ابزارهای سیاست‌گذاری شهری و فرایندها، نهادها و ترتیبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ای دانست که شهرها و مدیریت‌های شهری به منظور کنترل کشمکش‌ها، از آن‌ها برای تقویت همکاری‌های جهانی بین شهری و رسیدن به منافع و علایق شهری و شهروندی مشترک استفاده می‌کنند. هدف از به کارگیری این ابزارها، برقراری زیست فضای شهری پایدار و ایجاد فضایی امن، دموکراتیک و سرشار از نشاط و آزادی حقوق بشری برای شهروندان خود و شهروندان جهانی است بنابراین به دنبال تحولات نظام بین‌الملل و ورود طیف جدیدی از بازیگران بین‌المللی به عرصه روابط بین‌الملل، رهیافت پارادایم‌های دیپلماسی بر طیف جدیدی از بازیگران بین‌المللی شامل مقامات و مسئولین ایالتی و استانی تأکید دارد که در عین استقلال، در راستای سیاست‌ها و اهداف دولت مرکزی عمل

می‌کنند. در سال‌های اخیر حل‌درگیری‌ها به یکی از ابعاد اصلی دیپلماسی شهری تبدیل شده است یعنی دولت‌های محلی و شهرها تشکیلاتی سیاسی هستند که بهترین شناخت را از این مناطق دارند. فعالیت‌های دیپلماتیک خاصی که شهرها در موقعیتهای بحرانی به عهده می‌گیرند، سه بعد دارد: ۱. دیپلماسی جلوگیری از منازعه. ۲. فعالیت‌های در حین منازعه. ۳. فعالیت‌های بعد از پایان جنگ و منازعه (نجاتی‌حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). مثل فعالیت‌های بازسازی مناطق آسیب دیده. در بخش بعدی رهیافت پارادیپلماسی در قالب چارچوب مفهومی برای درک بهتر از تحولات اخیر دیپلماسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. چارچوب مفهومی: رهیافت پارادیپلماسی^۱

پارادیپلماسی به طور نسبی یک پدیده و موضوع جدید در رشته روابط بین‌الملل است. پارادیپلماسی به این موضوع اشاره می‌کند که چه چیزی می‌تواند ظرفیت‌ها و توانایی‌های واحدهای فروملی و مشارکت و استقلال این واحدها را در عرصه بین‌المللی در پیگیری منافع خاص بین‌المللی توصیف کند. این چالش مفهومی به این دلیل است که نظم موجود در روابط بین‌الملل، واحدهای فروملی را به عنوان موضوعات روابط بین‌الملل در نظر نمی‌گیرد زیرا دولت‌ها مدعی اند که حق حاکمیت برون مرزی به عنوان حق منحصر به فرد آنها در معاهدات با دیگر دولت‌ها محسوب می‌شود. بنابراین پارادیپلماسی به عنوان یک ظرفیت سیاسی در حال ظهور واحدهای فروملی می‌تواند مورد بهره برداری واحدهای خودمختار نیز قرار گیرد (Wolf, 2007, 1). بنابراین دولت‌ها به جای اینکه پارادیپلماسی را به عنوان یک تهدید بنگرند باید آن را به عنوان یک فرصت و ضرورت در فرایند مدیریت و در نهایت راه حلی برای حل و فصل درگیریها در نظر بگیرند نه اینکه آنها چالشی برای حاکمیت دولت بدانیم بلکه باید به فرصتها و مدیریت سازنده آن در درگیریها نیز توجه شود. گرچه واژه پارادیپلماسی یا دیپلماسی موازی از دهه ۱۹۸۰ میلادی به کار برده شد. اما برای نخستین بار در مباحث آکادمیک از سوی اندیشمندان کانادایی پانا یوتیس سولداتوس ارائه شد. سپس نویسنده آمریکایی ایوو دوچاسک این مفهوم را توسعه بخشید و به یکی از نظریه پردازان عمده در این زمینه تبدیل شد. در زمره واژگان معادل پارادیپلماسی می‌توان به دیپلماسی چندلایه

1. Paradiplomacy

و دیپلماسی فروملی اشاره کرد که بیانگر روند رو به رشد بین‌المللی شدن امور داخلی و قرار دادن نگرانی‌های محلی و منطقه‌ای در مرکزیت امور بین‌الملل است. پارادایپلماسی می‌تواند هم در حمایت و هم تکمیل دیپلماسی دولت مرکزی اتخاذ شود و هم در منازعه و رقابت با آن قرار گیرد. (به نقل از دهشیری، ۱۳۹۲: ۲-۳) پارادایپلماسی بیانگر ظرفیت و نقش‌آفرینی هویت‌های فروملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان، مستقل از حکومت مرکزی در عرصه بین‌الملل در تعقیب منافع خاص بین‌المللی است. این حکومت‌های فروملی یا منطقه‌ای با هدف ارتقاء منافع خود در روابط بین‌الملل به گشودن خانه‌های فرهنگ و تجارت در سایر کشورها، پیوستن به شبکه‌های همکاری بین‌المللی، امضای معاهدات و توافقنامه‌ها با دولت‌های خارجی و بازیگران غیردولتی و گاه حتی چالش با سیاست خارجی رسمی حکومت مرکزی متبوع از رهگذر صدور بیانیه‌های انتقادی یا انجام اقدام‌های مناقشه برانگیز مبادرت می‌ورزند که تمامی فعالیت‌های مزبور در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به عنوان پارادایپلماسی یا دیپلماسی موازی نامیده می‌شود (دهشیری، ۱۳۹۲: ۳). به عبارتی دیگر پارادایپلماسی می‌تواند یک موضوع پیچیده و دشوار برای بحث و گفتگو باشد، دشواری آن به خاطر بی‌توجهی نیست بلکه بی‌رغبتی است که نسبت به این موضوع وجود دارد. پارادایپلماسی به عنوان مجموعه‌ای از ابزارها برای دستیابی به اهداف سمبلیک و سیاست-محور معین است. در تعریفی روشن از پارادایپلماسی می‌توان گفت که پارادایپلماسی فعالیت فراقضایی^۱ یک موجودیت^۲ سیاسی است که موجودیت‌های سیاسی خارجی را مورد هدف قرار می‌دهد. در اینجا منظور از موجودیت، یک واحد از دولت است. مفهوم پارادایپلماسی بر این اساس اینگونه تلقی می‌گردد که سطوح گوناگون دولت از سطوح متفاوتی از ظرفیت یا توانایی قضایی برخوردار می‌باشند. به این معنی که درجات متفاوتی از رقابت برای تصویب قوانین، ایجاد فرایندهای اداری و مدیریتی موثر، تسهیل ورود سرمایه، حمایت برای توسعه یک فضای محرک رشد اقتصادی وجود دارد. بنابراین فعالیت فراقضایی، فعالیت است که فراتر از ظرفیت قضایی موقت موجودیت سیاسی، بیانگر گسترش دائمی قدرت‌های یک موجودیت است. همچنین این تعریف بیشتر مشخص می‌کند

1. Extra-jurisdiction
2. entity

که موجودیت‌های سیاسی خارجی باید هدف پارادایپلماسی باشند به این معنی که باید هدفش نفوذ بر موجودیت‌های فروملی دیگر کشورها و ایالت‌های مستقل خارجی و غیره باشد (Grydeh, 2014, 10-12). پارادایپلماسی در بیانی دیگر به فرآیند تبادلات بین‌المللی از طریق ابزارهای رسمی و غیررسمی منطقه‌ای، شهری، سازمان‌های غیرحکومتی، انجمن‌های تجاری یا دیگر سازمان‌های غیرمستقیم تحت کنترل یا نظارت نماینده یک حکومت ملی که به طور رسمی به مسائل و موضوعات روابط خارجی می‌پردازد، اطلاق می‌شود (McADAMS, KOCAMAN, 2013, 103). در دنیای در حال جهانی شدن، جایی که منافع متعدد یا چندگانه وجود دارند و همچنین در موقعیتهایی که اقدامات دولت در تقابل با بخش‌های خاص می‌باشد، اغلب کارگزاران پارادایپلماتیک می‌توانند برای حل مسائل بسیار مناسب‌تر از بازیگران دولتی ایفای نقش کنند. مأموران پارادایپلمات قدرت سخت و نرم را با هم بکار می‌گیرند. این کارگزاران پارادایپلماتیک قدرت سخت را مانند بازیگران دولتی به کار بخش‌های (معاهدات، دیدارهای رسمی، تبادلات دیپلماتیک یا تحریم و غیره). مأموران پارادایپلماتیک می‌توانند وارد مناطق یا مکان‌هایی شوند که سازمان دولتی این توانایی را ندارند که وارد فرایند مذاکره با این مناطق شوند. و این امر به این دلیل است که آنها به طور مستقیم در سیاست‌گذاری و یا اجرای سیاست دولت درگیر نشده‌اند یا وارد نشده‌اند (McADAMS, KOCAMAN, 2013, 103). با تشدید روند جهانی شدن، رقابت بین مناطق نیز شدت یافته است. مزایای اقتصادی خاص منطقه، مستلزم تغییرات سیاسی و نهادی شده است. پارادایپلماسی یا همان روابط خارجی فروملی در حال افزایش است. با تقویت قدرت محلی، شهرها، ایالت/استان‌ها سیاست‌های بین‌المللی را که پیشتر مختص دولت‌های ملی بود را اتخاذ نمودند که بدین طریق بتوانند منابعی را برای تضمین منافع برون مرزیشان بکار گیرند. با رشد جهانی شدن، این دولت‌های فروملی، دیگر نمی‌توانند مسئولیت‌های قانونی خود را در زمینه‌ی آموزش، بهداشت، توسعه اقتصادی، ترابری و حمل و نقل، محیط زیست و دیگر حوزه‌ها بدون تعامل موثر با جهان به انجام برسانند. این اقتدارهای محلی بر جریان بین‌المللی سرمایه، علم و دانش و مردم متکی است تا بگونه‌ی موفقیت آمیزی، برنامه‌های دولتی خود را اجرا کنند. در مقابل پارادایپلماسی، حکومت‌های محلی و ایالت/استان‌ها را قادر می‌سازد تا به ابعاد بین‌المللی این مسائل تحت نظارت خودشان بپردازند. دلیل اهمیت پارادایپلماسی نیز این است

که پارادایلماسی تأثیرات بالقوهای بر روابط خارجی بین کشورها و همچنین الگوهای تجارت دارد به ویژه اینکه امروزه بسیاری از شرکتهای اطلاعات خصوصی، اندیشکده‌ها و سازمان‌های غیردولتی^۱ دسترسی بهتری به منابع دسته اول در مقایسه با دیپلمات‌ها دارند (www.horizons.gc.ca).

در ادامه برای درک بهتر و تکمیل مبحث پارادایلماسی به مفهوم شهر و نقش و جایگاه آن در دنیای امروز، به ویژه در دیپلماسی شهری پرداخته و با ارائه تعاریف گوناگونی از شهر و تأکید بر اهمیت فرایند جهانی شدن در ارتقا جایگاه شهر (به خصوص ابرشهرها و شهرهای مرزی) در عرصه تعاملات بین‌المللی، شهر آذربایجان غربی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تعریف شهر

شهروند^۲ از شهر ریشه می‌گیرد و «شهر»^۳ از واژه‌ی لاتینی «لویتاس»^۴ مشتق است، لویتاس تقریباً معادل واژه‌ی پلیس^۵ در زبان و فرهنگ یونانی است. بنابراین، شهر تنها مجمعی از ساکنین یک منطقه‌ی معین نیست بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلى را افاده می‌کند. (نوابخش، ۱۳۸۵: ۱۶) شهر به مثابه بخشی از سلسله مراتب سیستم فضایی و تقسیمات سیاسی-جغرافیایی هر کشور براساس معیارهای مختلفی مانند نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه‌مندی اجتماعی، مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و ... شکل می‌گیرد. برای شهرها تعاریف زیادی ارائه شده‌است مثلاً «ماکس وبر» شهر را اینگونه تعریف می‌کند: «شهر به محلی گفته می‌شود که دارای جمعیتی انبوه و دائمی است که به مشاغل غیرکشاورزی اشتغال دارند و در عرف و قانون محلی، شهر محسوب می‌شود که جمعیت آن از ۲۵۰۰ نفر کمتر نباشد. و تأکید می‌کند که شهر باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

(۱) انبوهی جمعیت

1. NGO
2. Citizen
3. City
4. livitas
5. Police

۲) ناهمگونی در میان مردمان

۳) تحرک مکانی و اجتماعی

۴) پردامنه بودن و پراکندگی روابط اجتماعی

۵) تقسیم کار دقیق

۶) کنترل اجتماعی رسمی

۷) تحول اجتماعی سریع و مکرر

۸) گسترش یافتن ارزش‌های بشری. (پارسی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). طی دهه‌های اخیر از

سوی اندیشمندان علوم جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد و برخی علوم دیگر، تعاریف متعددی از شهر ارائه شده است. جغرافیدانان، شهر را منظره‌ای مصنوعی از خیابان‌ها، ساختمان‌ها، دستگاه‌ها و بناهایی می‌دانند که زندگی شهری را امکان‌پذیر می‌سازد. عالمان سیاسی به جنبه اداری شهر توجه می‌کنند از این دیدگاه فقط جائی شهر است که دولت آنجا را شهر بداند. به طور کلی از نظر اقتصاددانان شهر یک واحد اقتصادی است و به نظر آنها قوی‌ترین کارکرد شهر جدید، کارکرد اقتصادی آن است (ادیب، ۱۳۵۵: ۲۶-۲۷). از منظر شهرسازی، شهرها کانون‌هایی هستند که در آنها آدمی به تصرف و استفاده از کره خاک دست یافته که هم بر نواحی اطراف خود تأثیر می‌گذارد و هم از آن متأثر می‌شود و نمودار احتیاجات اقتصادی و اجتماعی آدمی هستند و بر اساس این احتیاجات بسط و گسترش می‌یابند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، شهر منطقه جغرافیایی است که دارای جمعیت مشخصی بوده و تراکم جمعیت در آن وجود داشته و افراد در آن به امور غیرکشاورزی اشتغال داشته باشند و چنین منطقه‌ای عمدتاً دارای شهرداری می‌باشد. این تعریف با ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵ مطابقت ندارد. از آنجایی که در این نوشتار شهر آذربایجان غربی مورد بررسی خواهد گرفت بهتر است که به تعریفی که در ماده ۴ قانون از شهر آمده است، توجه کنیم: به موجب این ماده «شهر محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی خاص خود است، به طوری که اکثر ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردارند و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و

پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد» (به نقل از کامیار، ۱۳۸۲: ۱۷). بنابراین می‌توان گفت که تعریف شهر بسته به جمعیت کشورهای مختلف، متفاوت است. مثلاً در ایالات متحده آمریکا رقم ۲۵۰۰ نفر به عنوان منطقه شهری پذیرفته شده است در حالی که در فرانسه رقم ۲۰۰۰ نفر و در ژاپن ۳۰/۰۰۰ نفر و هند ۱۰/۰۰۰ نفر تعیین شده است قانون تقسیمات کشوری ایران رقم ۱۰/۰۰۰ نفر را پیش بینی کرده است البته این ملاک مطلق نیست چنانچه در تراکم کم دارای چهار هزار نفر و در تراکم متوسط بالغ بر شش هزار نفر جمعیت، می‌توانند به عنوان شهر شناخته شوند. (کامیار، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۹) در این مقاله سعی شده است که یکی از شهرهای واقع در شمال غربی ایران یعنی استان آذربایجان غربی که یکی از شهرهای مرزی می‌باشد، مورد بررسی قرار گیرد. قبل از بررسی شهر آذربایجان غربی بعنوان مطالعه موردی باید به مقوله جهانی شدن و نقش شهرهای مرزی که در عرصه تعاملات بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده اند پرداخته شود.

۴. جهانی شدن و شهرهای مرزی

در آغاز هزاره سوم که همراه با غلبه مفهوم جهانی شدن، جهان‌گرایی و جهانی بودن و در مقابل تضعیف مفاهیم ملی‌گرای، ملی بودن و ملی ماندن است و تعاملات دولت-ملت به پیوند فرد در نظام جهانی تبدیل شده و ساختارهای سنتی پیشین دولت-ملت در مقابل ساختار مدرن فرد-جهان کم اهمیت و کمرنگ شده‌اند. در این فضا، نقاط و بویژه نقاط شهری مانند گره‌هایی در سیستم شبکه و به عنوان مراکز «فرماندهی و کنترل» نقش بسیار مهمی در هدایت و ساماندهی جریان سرمایه، نیروی کار، حسابهای مالی، کالا و خدمات ایفا می‌کند. مناطق مرزی و شهرهای مستقر در این مناطق که زمانی به دلیل محدودیت‌های ارتباطی، در انزوای جغرافیایی به سر می‌بردند و به دلیل دوری از مرکز و ضعف امواج و آثار توسعه مرکز محور، در پایین‌ترین رده‌بندی توسعه قرار داشتند، در هزاره جدید و آغاز عصر اطلاعات و ارتباطات به شاهراه‌ها، ورودی‌ها و گره‌های توسعه و پیشرفت تبدیل شده‌اند و مفاهیم جدیدی مانند «شهر-منطقه» را شکل داده‌اند (رهنما، توانگر، ۱۳۸۹: ۱۵۳). در این میان استان آذربایجان غربی با داشتن ۲۲ شهر و همچنین وجود چندین شهر متوسط با موقعیت مناسب اقتصادی از این قاعده مستثنی نبوده و

به ویژه شهر ارومیه به علت داشتن جاذبه های فرهنگی و تفریحی، موقعیت مناسب اقتصادی، سیاسی و تاریخی سبب جذب جمعیت نواحی اطرف به این شهر به عنوان مرکز استان یا مادرشهر منطقه ای شده است. در واقع شهر ارومیه در منطقه آذربایجان غربی به عنوان یک شهر مسلط، عمل می نماید (زیاری، موسوی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). بویژه همگام با آغاز عصر اطلاعات از دهه ۱۹۷۰ به بعد و تحولاتی که در اطراف مرزهای کشور از دهه ۱۹۹۰ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و استقلال جمهوریهای آسیای مرکزی به وقوع پیوست فرصت های مناسبی را برای کشور و به ویژه منطقه آذربایجان غربی برای تقویت پیوند با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین پیوند با بازارهای جهانی و مبادلات فرهنگی و اقتصادی را فراهم آورد (رهنما، توانگر، ۱۳۸۹: ۱۵۴). با توجه به مطالب فوق می توان گفت که جهانی شدن، بستر و فضا را برای تحقق پارادایلماسی فراهم ساخت. بنابراین در اینجا لازم است که با ساختار سیاسی و اجتماعی و همچنین موقعیت جغرافیایی و ظرفیت های اقتصادی آذربایجان غربی آشنا شویم.

۵. یافته های پژوهش

۱-۵. معرفی منطقه مورد مطالعه

استان آذربایجان غربی در شمال غربی کشور واقع گردیده و با سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان (نخجوان) مرز مشترک دارد. طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران در این استان به حدود ۹۶۷ کیلومتر می رسد به طوری که این استان از طرف شمال نزدیک به ۱۴۹ کیلومتر مرز آبی رودخانه ارس با جمهوری خود مختار نخجوان، از طرف شمال و مغرب نزدیک به ۵۶۶ کیلومتر مرز خاکی با کشور ترکیه و از طرف مغرب نزدیک به ۲۵۲ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق دارد (سرور، محمدی حمیدی، ویسیان، ۱۳۹۳: ۱۷). موقعیت خاص جغرافیایی و داشتن وضعیت مناسب آب و هوایی، این استان را از توان آبی بالایی برخوردار کرده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت استان معادل ۳۰۸۰۵۷۶ نفر بوده است. این جمعیت در حدود ۴/۱ درصد از جمعیت کل کشور را در بر می گیرد. با توجه به مساحت نسبتاً اندک استان تراکم جمعیت در این استان بسیار بالاتر از میانگین ملی است (<http://www.ostan-ag.gov.ir>).

۲-۵. ساختار سیاسی

طبق سالنامه آماری در سال ۱۳۹۰، استان آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان ، ۴۰ بخش و ۱۱۳ دهستان بوده است. تعداد نقاط شهری این استان در سال مزبور ۴۲ نقطه و تعداد آبادی‌های آن ۴۵۳۱ نقطه به ثبت رسیده است. ۱۷ شهرستان نیز شامل شهرهای زیر است:

۱. آذربایجان ۲. ارومیه که مرکز استان آذربایجان غربی می‌باشد. ۳. خوی ۴. اشنویه
۵. ماکو ۶. بوکان ۷. تکاب
۸. سردشت ۹. سلماس ۱۰. پلدشت ۱۱. چالدران ۱۲. شاهیندژ ۱۳. مهاباد ۱۴. میاندوآب
۱۵. نقده ۱۶. شوط ۱۷. چایپاره

استان آذربایجان غربی دارای یک استانداری و ۱۷ فرمانداری می‌باشد. اداره امور هر استان به عهده یک نفر مأمور عالی رتبه کشوری به نام استاندار و اگذار می‌شود که در حدود مقررات و قوانین جاری مملکت بر فرمانداران، بخشداران و مسئولان ارگانها و نهادهای حوزه مأموریت خود به استثنای مقامات قضایی، نظارت عالییه دارد. استانداران در قلمرو مأموریت خود نمایندگان عالی دولت محسوب می‌شوند و مسئولان اجرای سیاست عمومی دولت در حوزه مأموریت خود هستند و در کلیه امور اجرایی استان نظارت تام و عالییه دارد. استانداران همانند سایر مأموران در استان تابع مقررات و نظام اداری هستند. استاندار طبق قانون استخدام کشوری خارج از کادر است و بالاتر از معاون وزیر کشور است و عملاً یک مأمور عالی وزارت منصوب می‌گردد. نماینده استاندار در هر شهرستان فرماندار است که نماینده دولت و مسئول حفظ سیاست عمومی در حوزه مأموریت خود محسوب شده و ریاست عالییه بر سایر ادارات و حق نظارت بر تمام حوزه مأموریت خود را دارد. (<http://www.ostan-ag.gov.ir>).

۳-۵. آذربایجان غربی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری

استان آذربایجان غربی به واسطه ظرفیت بسیار بالای طبیعی، کیفیت خاک، شرایط جوی و میزان بارش‌های آسمانی و اقلیم نزدیک به شرایط مدیترانه‌ای دارای ویژگی‌های بسیار برجسته در حوزه کشاورزی و بخش‌های مرتبط می‌باشد. اگرچه در حال حاضر کشاورزی از بخش‌های اصلی و مولد استان محسوب می‌شود اما این ظرفیت‌های بالا هنوز شکوفا نشده اند. اما نکته مهم؛ بهره‌گیری از کشاورزی صنعتی

و پیشرفته و یا ادامه مسیر فعلی در چارچوب کشاورزی سنتی می‌باشد که به وسیله ارتقاء فنی می‌تواند عرصه‌های جدید در حوزه دانش کشاورزی، صنایع پشتیبان و در نتیجه باعث ارتقاء محصول شود. گرچه منطقه مورد مطالعه به لحاظ صنعتی جزو استان‌های اصلی صنعت نبوده اما از دوجبهت حائز اهمیت است: از یکسو به خاطر فرصت‌های بالای معدنی و همچنین امکان گسترش صنایع وابسته به حوزه کشاورزی و ازسوی دیگر نزدیکی به تبریز به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی کشور. همچنین در درجه بندی‌های علمی نیز به عنوان قطب درجه اول شناخته شده است و به دلیل شرایط اقلیمی و دارابودن پهنه‌های متنوع زیستی، فرصت‌های بی‌بدیلی را در حوزه گردشگری فراهم آورده است (بزاززاده، دادش پور، مطوف، ۱۳۹۳: ۱۱). با توجه به موقعیت جغرافیایی، امکانات مرزی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی، توجه به استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این استان را باید کوششی آگاهانه برای رسیدن به رشد اقتصادی در دراز مدت تلقی کرد که نتیجه آن سرعت بخشیدن به توسعه کشور است. آذربایجان غربی با بهره‌گیری از ۹ گمرک و هشت بازارچه مرزی مشترک و با ۹۶۷ کیلومتر مرز مشترک در همسایگی سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان قرار گرفته که توانمندی و موقعیت خاصی از نظر دسترسی آسان به بازارهای جهانی به ویژه بازار مهم اروپا به این استان بخشیده است. به اعتقاد صاحب‌نظران اقتصادی، آذربایجان غربی در منظومه تجارت منطقه‌ای یک نقطه جغرافیایی کم‌نظیر شناخته شده و یکی از مناطق برگزیده جهت سرمایه‌گذاری و ایجاد قطب‌های بزرگ صنعتی، معدنی، کشاورزی و گردشگری در شمال غرب کشور است. به منظور تحقق برنامه‌های توسعه‌ای با بهره‌گیری از امکانات سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری آذربایجان غربی در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۸۹ به طور رسمی افتتاح شد و فعالیت خود را آغاز کرد و قدم‌هایی را برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در این استان برداشته است. همچنین این مرکز برای معرفی پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در آذربایجان غربی علاوه بر برگزاری جلسات مختلف با سرمایه‌گذاران، نصب بنرهایی در سطح شهر ارومیه، گمرکات، مرزها و فرودگاه و راه اندازی سایت اینترنتی این مرکز در نمایشگاه‌های مختلفی که تاکنون در داخل و خارج از کشور از جمله در ترکیه، ارمنستان، عراق و

آذربایجان برگزار شده با انتشار بروشورهایی به زبان های فارسی و انگلیسی و عربی به معرفی ظرفیتهای سرمایه گذاری در استان اقدام کرده است (<http://www.ostan-ag.gov.ir>). نقطه ثقل ارتباطی بین سه کشور ایران، ترکیه و عراق موقعیت راهبردی ویژه‌ای در زمینه ارتباطات سیاسی را برای این استان فراهم آورده است. شرایط خاص ساکنان قسمتی از منطقه کردنشین بین سه کشور، نقش دروازه ای برای ارتباط با اروپا، امکان ارتباط نزدیک با کشورهای ارمنستان و آذربایجان (نخجوان) همگی از ویژگی های منحصر به فرد در شرایط سیاسی منطقه می باشد. این شرایط ویژه به طور طبیعی از دوگانه تقابل-همکاری تبعیت می‌نماید (بزاززاده، داداش پور، مطوف، ۱۳۹۳: ۸۹). بنابراین با توجه به قرار گرفتن استان آذربایجان غربی در همسایگی سه کشور جمهوری آذربایجان، عراق و ترکیه، این استان می تواند با توجه به ظرفیت‌ها و توانایی های بالقوه و متنوع خود، به گسترش مبادلات تجاری و اقتصادی و همچنین تبادلات فرهنگی با شهرهای مرزی در کشورهای همسایه به ویژه شهر نخجوان در جمهوری آذربایجان بپردازد. بنابراین با توجه به نقش پارادایلماسی در سال‌های اخیر، بر این نکته می‌توان تاکید کرد که پارادایلماسی به عنوان رهیافت جدید در روابط بین‌الملل می‌تواند مورد بهره‌برداری دولت‌ها، استان‌ها، مناطق، ایالت‌ها و حتی بخش‌های خودمختار قرار گیرد. چنانچه واحدهای فروملی و بخش‌های خودمختار در چارچوب قانون اساسی حکومت مرکزی عمل کنند، نگرانی حکومت مرکزی در زمینه ی جدایی طلبی کاهش می‌یابد و می‌تواند اختیاراتی را به واحدهای فروملی واگذار نماید. پارادایلماسی همچنین می‌تواند در شهرهای مرزی بین کشورها از طریق بازارهای مشترک مرزی، تبادلات اقتصادی، فرهنگی به حل و فصل منازعات بین دو کشور کمک کند. آذربایجان غربی بعنوان یکی از شهرهای مرزی واقع در شمال غربی ایران می باشد که با استفاده از رهیافت پارادایلماسی می‌تواند باعث بهبود روابط و همچنین گسترش تبادلات اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای همسایه بویژه جمهوری آذربایجان را فراهم آورد.

۴-۵. کاربرد پارادایلماسی در آذربایجان غربی

همانطور که گفته شد پارادایلماسی بر ظرفیت‌ها و قدرت نقش آفرینی هویت-

های فروملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان مستقل از حکومت مرکزی در تعقیب منافع خاص بین‌المللی تأکید می‌کند به گونه‌ای که این حکومت‌های فروملی یا قدرت‌های محلی می‌توانند با گشودن خانه‌های فرهنگ و تجارت در سایر کشورها و همچنین با امضای معاهدات و توافقنامه‌ها با آنها، به توسعه اقتصادی جوامع خود کمک کنند بویژه در مواقعی که بین دو کشور همسایه و هم مرز، مناقشات و منازعاتی نیز وجود داشته باشد نمایندگان این حکومت‌های محلی در قالب استانداران، فرمانداران و همچنین شهرداران می‌توانند از طریق ابزارهای رسمی و غیررسمی و منطقه‌ای مانند امضای معاهدات، دیدارهای رسمی، تبادلات دیپلماتیک و غیره به حل و فصل این منازعات بپردازند. با توجه به مطالبی که گفته شد پارادایم‌سازی دارای کارکردهای زیادی برای شهرهای مرزی است بنابراین برای درک پارادایم‌سازی در کشور ما، آذربایجان غربی را به عنوان مطالعه موردی انتخاب کردیم و برای اینکه بتوانیم جایگاه و کاربرد پارادایم‌سازی را در آذربایجان غربی درک کنیم به جایگاه و موقعیت آذربایجان غربی پرداختیم. در قالب رهیافت پارادایم‌سازی می‌توان گفت که با توجه به موقعیت جغرافیایی، امکانات مرزی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی، توجه به استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این استان را باید کوششی آگاهانه برای رسیدن به رشد اقتصادی در درازمدت تلقی کرد که نتیجه آن سرعت بخشیدن به توسعه کشور است. می‌توان گفت موقعیت ممتاز و منحصر به فرد آذربایجان غربی، دسترسی آسان کشور را به بازارهای جهانی به ویژه بازار اروپا امکان پذیر کرده است و با سرمایه‌گذاری مناسب برای توسعه زیرساخت‌های لازم، این استان می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی جمهوری اسلامی تبدیل شود. آذربایجان غربی در این بین با توجه به وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایش مستعد و آماده سرمایه‌گذاری است. اهمیت سرمایه‌گذاری به عنوان یک مقوله اقتصادی سبب شده که این موضوع همواره به عنوان یکی از عوامل اساسی در توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع مطرح باشد و دولت‌ها را بر آن دارد تا توجه ویژه‌ای به امر سرمایه‌گذاری برای دستیابی به یک اقتصاد توسعه یافته معطوف دارند. همچنین آذربایجان غربی از لحاظ سیاسی هم می‌تواند به عنوان شهری مرزی که در همسایگی کشور جمهوری آذربایجان است و دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی و قومی نیز با این کشور است، به نزدیکی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری

آذربایجان کمک کند با توجه به اینکه در راستای قانون اساسی حکومت مرکزی نیز عمل می‌کند و در راستای پارادایم‌های دیپلماسی یا دیپلماسی موازی منافع ملی را نیز در نظر می‌گیرد. بنابراین آذربایجان غربی با توجه به این فرصت‌های پیشروی خود اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خودش به طور صحیح استفاده کند.

نتیجه

پارادایم‌های سیاسی به عنوان رهیافتی نوین و یک ظرفیت سیاسی در حال ظهور برای واحدهای فروملی، می‌تواند مورد بهره‌برداری دولت‌ها، استان‌ها، مناطق، ایالت‌ها و همچنین بخش‌های خودمختار قرار گیرد. چنانچه بخش‌ها یا واحدهای فروملی در چارچوب قانون اساسی حکومت مرکزی عمل کنند و به آن توجه کنند می‌توانند بدون مانع به فعالیت‌های خود ادامه دهند بنابراین با توجه به اینکه دولت‌ها همچنان بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل هستند، اما اختیاراتی را به بخش‌های فروملی می‌توانند واگذار کنند و آنها را در قدرت سیاسی خود سهیم کنند. اما گاهی وجود بخش‌های خودمختار در کشورها یا گروه‌های قومی خاصی که خواستار حق تعیین سرنوشت خود هستند و خود را متمایز از بقیه گروه‌های جمعیتی دولت می‌دانند، حاکمیت دولت مرکزی را در سطح داخلی و خارجی به چالش می‌کشاند و این مسئله باعث می‌شود که دولت‌ها نسبت به واگذاری اختیارات خود به بخش‌های فروملی بدبین باشند و همواره نگران جدایی طلبی سرزمینی باشند. بنابراین آنچه که مهم است این موضوع است که واحدهای فروملی به ویژه بخش‌های خودمختار نمی‌توانند خارج از چارچوب قانون اساسی دولت مرکزی و مستقل از آن عمل کنند. در نتیجه واگذاری اختیارات از سوی دولت مرکزی به بخش‌های فروملی می‌تواند با تعهد دوطرف نسبت به حفظ تمامیت ارضی همراه باشد و مشارکت واحدهای فروملی، مکمل اهداف دولت مرکزی باشد و مغایر با آن نباشد. واحدهای فروملی و همچنین بخش‌های خودمختار می‌توانند در زمینه‌هایی که توانایی ذاتی دارند به ویژه در زمینه‌های آموزش، فرهنگ، بهداشت و زبان مشترک و اعمال مذهبی می‌توانند در جهت اهداف حکومت ملی برای حفظ هویت ملی گام بردارند. در این مقاله سعی شده است که شهرهای مرزی مثل آذربایجان غربی که در شمال غربی کشورمان واقع گردیده است و با سه کشور ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان (نخجوان) مرز مشترک دارد، به عنوان یک واحد فروملی که می‌تواند

در راستای اهداف دولت مرکزی عمل کند و از طریق بازارهای مشترک مرزی و تبادلات فرهنگی به ویژه از طریق اشتراکات مشترک فرهنگی و قومیتی به نزدیکی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان کمک کند مورد توجه قرار گیرد. پارادایم‌های می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را در اختیار دولت‌ها قرار دهد تا آنها بتوانند مشکلات و چالش‌های خود را به واسطه بخش‌های فروملی به ویژه مقامات و مسئولین محلی مثل استانداران، فرمانداران و شهرداران که در شهرهای مرزی مثل آذربایجان غربی (که در این مقاله به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است)، مستقر هستند، حل و فصل کنند و از جدایی طلبی سرزمینی جلوگیری کنند یا آن را کمرنگ کرده قبل از آنکه تمامیت ارضی به خطر بیفتد. بنابراین در نهایت باید گفت که پارادایم‌های به عنوان رهیافت جدیدی در روابط بین‌الملل مطرح شده است که نه تنها چالش و تهدیدی برای حاکمیت دولت‌ها محسوب نمی‌شود بلکه نقش مدیریت سازنده‌ای را می‌تواند در حل و فصل درگیری‌ها و همچنین مناقشات بین دولت‌ها بر عهده گیرد. *

کتابنامه

منابع فارسی

- آشنا، حسام‌الدین، جعفری هفت خوانی، نادر (۱۳۸۶) «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، **فصلنامه دانش سیاسی**، (۵)، صص ۲۰۶-۱۷۹.
- اباذری، مرتضی، رضازاده، حبیب، کریم زاده، محمد (۱۳۹۱) «قومگرایی و تاثیر آن بر روابط جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، (۱۳)، صص ۲۴۰-۲۰۵.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۵) «تعریف شهر»، **مطالعات جامعه‌شناختی**، (۶)، صص ۳۳-۲۲.
- بزاززاده، مهدی، داداش‌پور، هاشم، مطوف، شریف (۱۳۹۳) «بررسی و تحلیل عوامل کلیدی موثر بر توسعه منطقه ای با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، ایران»، **برنامه فضایی (جغرافیا)**، (۱۳) ۷۹-۱۰۴.
- بیژنی، مریم (۱۳۸۴) «دیپلماسی در گذر زمان»، **مجله سیاسی اقتصادی**، (۲۲۲-۲۲۱)، صص ۱۲۹-۱۱۸.
- پارسی، فاطمه (۱۳۸۹) «شهر به عنوان فرایندی منطقه‌ای در ایران»، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، (۳۲)، صص ۱۲۹-۱۲۰.
- جمالی نژاد، مهدی (۱۳۹۲). **دیپلماسی شهری**، اصفهان: نشر آرما.
- خانی، محمد حسن (۱۳۸۴) «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، **فصلنامه دانش سیاسی**، (۲)، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۹۲) «پارادایلماسی در عصر جهانی‌شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن**، دوره ۴، (۱۳)، صص ۵۵-۳۴.
- رهنما، محمد رحیم، توانگر، معصومه (۱۳۹۰) «نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی‌شدن و توسعه منطقه‌ای ایران مطالعه موردی شهرهای مرزی استان خراسان رضوی»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک** (۱۹)، صص ۱۸۵-۱۵۲.

زارع مهریزی، الهام (۱۳۹۲). «نقش دیپلماسی نوین در افزایش همگرایی کشورهای اسلامی»، **فصلنامه علمی- تخصصی فرهنگ پژوهش**، (۱۶). صص ۱۴۴-۱۱۹.

زیاری، کرامت الله، موسوی، میرنجف (۱۳۸۴) «بررسی سلسله مراتب شهری در استان آذربایجان غربی»، **علوم اجتماعی: جامعه شناسی کاربردی**، (۱۸). صص ۱۶۳-۱۷۸.

سرور، رحیم، محمدی حمیدی، سمیه، ویسیان، محمد (۱۳۹۳) «بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار(مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)»، **فصلنامه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی**، سال اول، (۷). صص ۵۴-۲۵.

کامیار، غلامرضا. (۱۳۸۲). **حقوق شهری**، تهران: انتشارات مجد.

کولایی، الهه، شکاری، حسن، احمدی‌نیا، مسعود، (۱۳۹۲)، «دیپلماسی سایبری آمریکا(مطالعه موردی جمهوری آذربایجان)»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، (۸۲). صص ۱۰۲-۸۱.

مینی کشه، زهرا، طباطبائی یگانه سادات (۱۳۹۳) «دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران(مطالعه موردی دولت یازدهم)»، **فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی**، (۹). صص ۱۳۹-۱۰۲.

موسوی شفاثی، مسعود، (۱۳۸۶)، «دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، **پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی**، (۶). صص ۶۰-۳۹.

نجاتی حسینی، سید محمود، (۱۳۹۰)، «سیاست شهری و دیپلماسی شهری (از نظریه تا تجربه)»، **جامعه‌شناسی تاریخی**، ۳، (۲). ۱۱۷-۱۴۲.

نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵) «بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی**، (۵)۲. صص ۳۰-۱۱.

نیک آئین، احسان اله، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی عمومی رویکردی نو در عرصه روابط بین‌الملل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و سوم، (۲). صص ۳۹۴-۳۶۱.

ولف، چارلز؛ روزن، برایان، (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی؛ بوسه مرگ»، ترجمه علی گل محمدی، **ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر**، ۴ (۳۱-۳۲). صص ۱۰۳-۹۳.

منابع انگلیسی

Gryde, Adam.(2014) Goals, Capabilities, and Instruments of Paradiplomacy by Subnational Jurisdictions. Local Actions in a Global Context:

- Paradiplomacy Jurisdictions, *Brussels: Centre Maurits Coppieters*, Pp.10-20.
- Keating, Michael. (2000) Paradiplomacy and Regional Networking, *Forum of Federations: an International Federalism*, Hanover, pp.1-10.
- Michael Andrew McADAMS ,Sinan KOCAMAN.(2013) Using historic preservation as a para-diplomatic agent in cross-cultural conflict resolution in international border areas: A case study in the Kars province in Turkey, *International NGO Journal*, Vol. 8(5), pp. 100-107.
- Tavares, R. (2014), *The Rise of 'Para-Diplomacy': The Implications of Increasing Sub-national Relations on Trade and Diplomacy*, Available at. (<http://www.horizons.gc.ca/eng/content/rise-para-diplomacy-implications-increasing-sub-national-relations-trade-and-diplomacy>), accessed on 2016, 26 Dec .
- Wolf, Stefan. (2002) Paradiplomacy: Scope, Opportunities and Challenges, *The Bologna Center Journal of International Affairs*, vol.10,pp.1-13

منابع اینترنتی

- سایت استانداری آذربایجان غربی، آذربایجان غربی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، ۱۱/ ۲۳/ ۱۳۹۲، بازبینی شده در ۸/۴ /۱۳۹۴:
- (<http://www.ostan-ag.gov.ir/tabid/807/articleType/ArticleView/articleId/34242/---.aspx>)
- سایت استانداری آذربایجان غربی، موقعیت استان آذربایجان غربی در کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۰، بازبینی- شده در ۸/۴ /۱۳۹۴:
- <http://ostan-ag.gov.ir/AboutProvince>